

آشنائی با کتاب المقنع و الهدایة

تهیه و تنظیم از : دکتر محسن جابری عربلو

الشیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی
(قدس سره) المتوفی سنة ۳۸۱ هـ .

مقدمتاً باید گفت: اینهمه وسعت و گستردگی و تنوع، فروع بسیار
و مسائل بیشماری که در فقه شیعه مشاهده میشود، مرهون همت والای
فقهاء، و مدیون تلاش عظیم و بی‌وقفه آنان میباشد. این نکته مسلم
است که فقه ما در ابتدا چنین، گسترده و متنوع نبود، بلکه بصورت
مجموعه‌های حدیث و در قالب روایات بود.

این روایات، مانند سایر مسائل دینی، با ذکر سلسله اسناد، تدوین
و تنظیم شده و فقها با دقت و احتیاط، عین عبارات و کلمات معصومین (ع)
را بدون تفریع فروع، نقل میکردند.

نمونه بارز این کار اصول اربعه‌ا، و نیز کتاب کافی، و کتاب من
لا یحضره الفقیه، است.

این روش در تدوین فقه تا زمان صدوقین و تقریباً تا اواخر قرن
سوم هجرت، ادامه و استمرار داشت.

در این عصر بود که تألیف و تدوین کتاب فقه بنحو مستقل و
مجرد از سند روایت و مانند اثری مخصوص به مؤلف و همراه با استنباط
و نظری، آغاز گردید، و فقهاء مسائل فقهی را از قالب روایات واحادیث

خارج کرده و بصورت فتاوی عرضه نمودند. در آغاز تحول جدید آنان، جانب احتیاط را رعایت کرده و عین متون احادیث را - با حذف اسناد، اما بدون مناقشه و احتجاج و نقد آراء و بالاخره بدون تغییر اساسی در آن، بیان کردند.

برخی این نوع فقه را «فقه منصوص» یا «مسائل متلقات» نامیده‌اند^۱، با اتخاذ این روش که بعدها کاملتر شد فصل جدیدی در فقه گشوده شد.

نوشته‌اند نخستین فقیه شیعی که این شیوه را برگزید علی بن - بابویه قمی (متوفی ۳۲۹ هـ) والد ماجد شیخ صدوق ره بود، وی در رساله‌ای که خطاب به فرزندش نوشت و فتاوی خود را در آن آورد، روش مذکور را بکار برده است.

و پس از او فرزند برومندش، شیخ صدوق (محمد بن علی بن بابویه متوفی ۳۸۱ هـ) دو کتاب «المقنع و الهدایة» را با همان سبک برشته تحریر کشید.

چنانکه در آغاز کتاب المقنع میفرماید:

من، نام این کتاب را المقنع نهادم، چرا که خواننده می‌تواند به مطالب آن، اکتفا نماید و اسانید (احادیث) را بدان منظور حذف کردم که حمل و نقل آن، آسان گردد و حفظ آن برای خواننده دشوار و موجب ملال نباشد^۲

نظری اجمالی بر فصول و ابواب کتاب المقنع

مؤلف این کتاب را با باب الوضوء، آغاز میکند و پس از ذکر اقسام «طهارت»، «منزوحات بئر» را مورد بحث قرار داده و بایبان «احکام اموات»

۱- الجمل والعقود، شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تصحیح و ترجمه و حواشی و مقدمه از: استاد واعظزاده خراسانی چاپ دانشگاه مشهد، ۱۳۴۷ هـ ق .
 ۲- متن کتاب المقنع والهدایة، تعلیق و تصحیح استاد واعظزاده خراسانی مؤسسه المطبوعات الدینیة، قم ۱۳۷۷ هـ ق، ج ۱ ص ۰۲.

مبحث طهارت را به اتمام رسانده و باب نماز را آغاز میکند و در پایان این فصل آداب برخی از نمازهای مستحب را توضیح میدهد مانند «صلوة جعفر بن ابی طالب (ع)»، «صلوة الاستخاره»، و سپس ابواب «زکوة» و «خمس» را آورده و برخلاف نظر مشهور «زکوة مال التجارة» را واجب میداند.^۱ آنگاه، ابواب صوم و حج را بترتیب، ذکر کرده و بابتی دارد تحت عنوان «باب ثواب الاعمال» مؤلف در این کتاب، مانند شیخ مفید در کتاب مقنعه «باب نکاح و طلاق» را بدنبال «عبادات» آورده، لیکن در متون فقهی متأخر مانند «شرایع الاسلام» و «اللمعة الدمشقیه»، کتاب نکاح، در آخر بخش معاملات و بدنبال «وصایا» ذکر شده است.

سپس مؤلف «باب المكاسب والتجارات» را مورد بحث قرار داده آنگاه به احکام «كفالت، لقطه، رهن، ودیعه، عاریه، مزارعه و اجاره» اشاره میکند.

«باب القضاء والاحکام»، باب الشفعه، باب الايمان والندور والكفرات باب الصيد والذبائح» را بترتیب ذکر کرده و بدنبال مبحث «حدود» بابتی دارد تحت عنوان «باب الملاهی»، و سپس «باب الوصایا» و (باب الموارث و در خاتمه (باب الدیات» را ذکر کرده است.

بررسی اجمالی کتاب الهدایة

شیخ صدوق ره در آغاز این کتاب، برخلاف متون فقهی متأخر که منحصرأً به فروع پرداخته‌اند، بابتی دارد راجع به اصول اعتقادات، آنگاه مبحث «طهارت» را با «باب المیاه»، آغاز میکند و ترتیب مباحث تا «باب طلاق» تفاوت اساسی با کتاب «المقنع» ندارد و پس از «احکام طلاق»، باب الندور والایمان والكفارات را آورده، بر خلاف کتاب «المقنع» که در

۱- در زکوة مال التجارة، دو قول است، وجوب و استعجاب اکثر فقهاء آن را مستحب

دانسته‌اند و این قول مشهور می‌باشد. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، شیخ محمدحسن نجفی،

دارالکتب الاسلامیه ۱۳۹۲ هـ ق، ج ۱۵ ص ۷۲.

آن بدنبال «مبحث طلاق»، مکاسب و تجارت ذکر شده است، بالجمله، مؤلف در ضمن «باب القضاء والاحکام» موضوعات دیگری را نیز مطرح میکند، مانند «شفعه».

و سپس به بررسی «باب الحدود» می پردازد و در پایان، بایب ذکر میکند تحت عنوان («باب الكبائر» آنگاه «باب الديات» و بدنبال آن «باب الصيد والذبائح» «باب المكاسب والتجارات و باب الوصایا» را آورده و راجع به «وقف» توضیح کوتاهی داده است. «باب الموارث» پایان بخش کتاب است.

الرسالة السياسية

از: استاد محمد تقی دانش پژوه

ابوعلی الحسن بن ابراهیم بن ابی بکر سلماسی در سال ۶۱۴ برای شرف الدوله قوام (عماد) الاسلام سلطان الصدور مجد الملک مرتضی الملوك ابو الحسن علی بن الحاج اسماعیل اصفهانی از روی فصل پنجاهم مقاله نخستین المعالجات البقراطية از ابو الحسن احمد ترنجی طبری پزشک دانشمند سده چهارم به روش ترجمه آزاد «رسالة فی السياسة الخاصة والعامه» به نگارش در آورده است.

در آن سخنان و سفارشهای ابقراطیس و جالینوس و اندروماخوس آمده است. ترنجی در آن گفته است که میان سخنان افلاطون گرچه به ظاهر گونه‌ای دویی و دوگانگی دیده میشود ولی آن دو در باطن در همه گونه اندیشه‌ها یک روی هستند. پس ترنجی هم مانند فارابی میگوید که میان آن دو فیلسوف نزاعی نیست.

درباره اندروماخوس باید گفت که ابن‌الندیم (ص ۳۴۶) و ابن‌ابی‌اصیبعه (۱: ۳۴) از «اندروماخوس القدیم بین افلاطون واسقلیپوس وقفطی (۷۲ و ۳۲۴) از «اندروماخوس رئیس اطباء بالاردن فی زمن الاسکندر له مقالات واحرقق نسخ بخطه» و ابن‌فاتک در مختارالحکم مانند آنچه که در مختصر الحکمه (ص ۱۰۶) آمده است از «اندروماخوس

بین بقراط و جالینوس» یاد کرده‌اند. نمیدانم که ترنجی کدام یک از اینها را میخواهد.

ترنجی در این مقاله مانند ابن هندو در مفتاح الطب گزیده‌ای از مسائل فلسفی را تا آن اندازه‌ای که یک پزشک را بکار آید آن هم به روشی که جز روش ابن سینا و مشائیان دیگر است آورده و آن برای تاریخ مسائل فلسفی متداول دانشمندان ایرانی بسیار سودمند است باید به دقتی به این دو کتاب نگریست.

در این فصل که سلماسی آن را ترجمه کرده است نمونه‌ای از مسائل اخلاق و تدبیر منزل یا کتخدایی یونانی دیده میشود و آن خود نمایاننده اندیشه فیلسوفان مشائی ایرانی پیشین در این زمینه نیز هست و نکته‌های فراوانی بما می‌آموزد و خود مدرکی تازه خواهد بود که تا کنون کمتر بر سر زبانها بوده است.

گذشته از همه اینها سنجش این متن عربی سده چهارم و ترجمه فارسی آغاز سده هفتم آن برای ادب و زبان فارسی بسیار سودمند است و در آن به بسیاری از واژه‌ها و ترکیبات فارسی بر می‌خوریم که شاید برای ما تازگی داشته باشد.

بنگرید به:

۱- فهرست دانشگاه تهران ۶: ۲۴۲۵ و ۲۵۹۶

۲- فهرست فیلمها دانشگاه ۱: ۴۰۴

۳- گفتار دانشمند شادروان مجتبی مینوی در مجله دانشکده ادبیات

تهران س ۵ ش ۱ و ۲ ص ۴۹ و ۵۰

۴- گفتار نگارنده درباره تدبیر منزل در مجله الهیات مشهد شماره ۲۱

اینک این دو رساله را در این جا می‌بینیم: